

ماجرای دزدی از موزه حرم امام رضا(ع) و مامور امنیتی

۱۷ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۰۶

یک سال تموم پله‌های دادگستری و شهربانی رو بالا و پایین رفتم تا قاتل شوهرمو پیدا کنند، اما چه طور می‌شد یه مامور امنیتی را شناسایی کرد؟

در صفحه ۷۵ از زبان پری در لحظه‌ای که می‌خواهد انتقام شوهر مقتولش را از یکی از نیروهای امنیتی رژیم به نام بیات بگیرد، می‌خوانیم:

اما وقتی تو به شر کار نگیری و آدم سالمی باشی، شر دست از سر تو بر نمی‌داره.

یه شب تو اومدی سراغش

با یه کاسه عتیقه نادری که از تو موزه حرم دزدیده بودی.

از شه‌ریار من خواستی این کاسه عتیقه رو که موقع سرقت از موزه حرم آسیب دیده بود، برات مرمت کنه.

نگفتی کی هستی.

اما شه‌ریار من حواسش جمع بود.

چرا وقتی تو ویرانه‌های چغازنبیل خارجی‌ها دزدی می‌کنی، تو اینجا دزدی نکنی؟

شه‌ریار، ویران، شب اومد خونه. با همون کاسه نادری. بعد هم زنگ زد به خبرنگار آفتاب شرق و عکس کاسه را بهشون داد.

فردا تو اومدی سراغش.

توی اون مغازه کوچک با یه گلوله کشتیش.

بعد کاسه عتیقه رو با هر چی عتیقه جات امانتی تو مغازه ش بود، با خودت بردی.

هنوز بعضی هاش تو این اتاقه.

جرم شه‌ریار من چی بود؟

یک سال تموم پله‌های دادگستری و شه‌ربانی رو بالا و پایین رفتم تا قاتل شوهرمو پیدا کنند، اما چه طور می‌شد یه مامور امنیتی را شناسایی کرد؟

از خستگی روی پله‌های بیرون شه‌ربانی نشسته بودم.

یه دفعه، دو تا آدم اومدن زیر بغلم را گرفتن و به زور بردن و انداختن تو یه بنز سورمه‌ای.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۲۷۴/امنیتی-مامور-ع-رضا-امام-جرم-موزه-دزدی-ماجرای>